

**مقابله با جنگ و مبارزه با رژیم اسلامی دو رکن  
سیاست اصولی!**

**مقابله با گرایش ملی - اسلامی یک سیاست محوری!**



مصاحبه با آذر ماجدی در رابطه با بیانیه سازمان آزادی زن در مورد خطر جنگ در ایران، موقعیت زنان و وظایف ما (متن بیانیه در صفحه ۶)

**پروین کابلی:** آذر ماجدی با تشکر از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید. بیانیه سازمان آزادی زن در رابطه با خطر جنگ در ایران منتشر شده است. بعنوان اولین سوال بطور واقعی خطر جنگ در ایران چقدر محتمل است؟ آیا فکر میکنید که دولت آمریکا در شرایطی هست که بخواهد جبهه دیگری در ایران باز کند. اشاره من به موقعیت کنونی آمریکا در عراق، نارضایتی از جنگ در آمریکا و انتخابات سال آینده آمریکا است.

**آذر ماجدی:** بنظر من محتمل است. میزان این احتمال چقدر است؟ مشکل بتوان به آن پاسخ داد. بسیاری به همین نکاتی که شما اشاره کردید، اشاره میکنند و به این نتیجه میرسند که آمریکا قدرت حمله را ندارد. در عراق با شکست مواجه شده است. تعداد زیادی از سربازان آمریکایی کشته، مجروح و معلول شده اند. این جنگ هزینه بسیار بالایی داشته است. تا همین جا بحث از بیش از یک تریلیون دلار است. وضعیت افغانستان هم آشفته

است. اما بسیاری از تحلیلگران در نشریات بین المللی نیز دارند متقاعد میشوند که امکان اینکه بوش پیش از پایان دوره ریاست جمهوری اش به ایران حمله کند، رو به افزایش است.

بنظر من اتفاقا دلیل حمله به ایران در شکست آمریکا در عراق نهفته است. آمریکا بدنبال تثبیت قدر قدرتی خود بعنوان تنها ابر قدرت جهان به عراق حمله کرد. اکنون دیگر همه میدانند که حمله به عراق بخاطر نابود کردن سلاح کشتار جمعی نبود. این یک دروغ بزرگ بود. بلکه برای تثبیت سیاست نظم نوین جهانی بود که آمریکا از زمان جرج بوش پدر، یعنی پس از پایان جنگ سرد اتخاذ کرده است. اما این جنگ باعث تقویت اسلامیست ها، بویژه رژیم اسلامی شد. این درست عکس آن بود که استراتژیستین های آمریکا بدنبالش بودند. لذا آمریکا نیازمند آنست که در دنباله در صفحه بعد

**بمناسبت روز جهانی نفی خشونت علیه زنان،  
خشونت علیه زنان یک خصلت شرمناک دنیای مدرن!**

**با هم علیه خشونت بر زنان**

۲۵ نوامبر، چهارم آذر ماه، روز جهانی علیه خشونت بر زنان است. این روز به یادبود خاطره ۳ خواهر اهل جمهوری دومینیکن، خواهران "میرابال" انتخاب شده است. این سه زن در سال ۱۹۶۰ در دوران حکومت دیکتاتوری رافائل تروئیلو به قتل رسیدند. این روز به عنوان روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان تعیین شده تا بر وجود پدیده خشونت جنسیتی در جهان اذعان شود و برای مبارزه با آن در دنیا مبارزه شود. برای سالها احزاب و سازمان های پیشرو و نهادهای مدافع حقوق زن در سراسر جهان پیگیرانه کوشیده اند خشونت علیه زنان را بعنوان یک امر اجتماعی برسمیت بشناسانند. مساله ای که بعنوان امری خصوصی شناخته میشد و لذا جامعه و دولت از کنار آن میگذشتند. این تلاشها به ثمر نشست و اکنون در کشورها قوانین مؤثری در مقابله با خشونت علیه زنان تصویب و به مورد اجراء گذاشته شده و خدمات بعضا مهمی در اختیار قربانیان این نوع خشونت ها گذاشته میشود.

در اکتبر ۱۹۹۹ سازمان ملل با تصویب یک قطعنامه بر علیه خشونت علیه زنان روز ۲۵ نوامبر را رسماً روز پایان دادن به خشونت علیه زنان اعلام کرد. این اقدامی مثبت ولی ناکافی است. علیرغم کمپین های جنبش دفاع از حقوق زن، اکثریت زنان جهان تحت خشونت قرار دارند. ضرب و جرح توسط افراد ذکور خانواده، تجاوز جنسی، خشونت لفظی، کنترل زندگی و بعضا اسارت در خانه، کشتار نوزادان دختر، انتخاب جنسیت نوزادان، ختنه دختران، قتل های ناموسی، و همچنین بردگی جنسی توسط باندهای بین المللی فحشاء یکی از خصلت های ریشه دار و یکی از وجوه شرمناک جامعه مدرن است. بعلاوه در بخشی از دنیا که تحت حکومت اسلام زندگی میکند، زنان بطور رسمی تحت خشونت دولتی قرار دارند. حجاب اجباری و آپارتاید جنسی زنان را از یک زندگی نیمه نرمال نیز محروم میکند. پلیس غفت در این کشورها، بخصوص ایران، زنان را وحشیانه مورد اذیت و آزار، زندان و شکنجه قرار میدهد. مورد زهرا بنی یعقوب، پزشک جوانی که اخیراً در بازداشتگاه منکرات همدان به قتل رسید، یک نمونه وحشتناک و گویای وضعیت زنان است.

برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان نه تنها باید مبارزه ای همه جانبه علیه سنتها، اخلاقیات و خرافات مذهبی و ارتجاعی و فرهنگ مردسالار سازمان داد، بلکه باید مبارزات پیگیری علیه نظام تفرقه افکن و نابرابر سرمایه داری **دنباله در صفحه بعد**

**نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!**

### دنباله مصاحبه با آذر ماجدی از صفحه قبل

عقب نشینی از عراق، صورت خود را سرخ نگاه دارد. نیازمند است که به دنیا نشان دهد که ابر قدرت و قدر قدرت است. نشان دهد که قادر است به هر کشوری که بخواهد لشکر کشی کند. پاسخ به این نیاز است که دولت بوش را به سوی حمله نظامی به ایران میکشد. اما آیا این حمله اتفاق خواهد افتاد یا خیر؟ باید دید. آنچه مسلم است ما بعنوان یک سازمان آزادیخواه و برابری طلب، باید تمام قدرت خود را بکار ببندیم تا به کمک انسانهای آزادیخواه و بشردوست جهان مانع این حمله نظامی شویم. این آن اقدامی است که فی الحال در دستور کار ما است.

**پروین کابلی:** در بیانیه سازمان آزادی زن آمده است که تحریم اقتصادی شرایط سختی را به مردم ایران تحمیل خواهد کرد. آیا فکر نمیکنید که همین مسئله باعث رویگردانی بیشتر مردم از رژیم خواهد شد؟

**آذر ماجدی:** مردم باندازه کافی از رژیم رویگردان هستند. مردم از این رژیم متنفرند. نیازی به ایجاد تنفر بیشتر نیست. مردم مدتی است که عملاً رای به رفتن رژیم داده اند. اگر رژیم اسلامی هنوز در قدرت است، بعلت علاقه مردم نیست. بعلت ضعف در رهبری و سازماندهی مبارزات مردم و جنبشهای اجتماعی است. برای خلاصی از شر این رژیم ارتجاعی و زن ستیز باید این ضعف را برطرف کرد، نه اینکه مردم را به فلاکت و مشقت بیشتر انداخت.

مدافعین سیاست تحریم استدلال میکنند که تحریم یا باعث به زانو درآمدن دولت معین میشود، یا موجب شورش مردم علیه دولت. اولاً این تحلیل در عمل تقریباً همیشه غلط از آب در آمده است. ثانیاً این یک دیدگاه بسیار بیمارگونه است. این سیاست عملاً مردم را مجازات میکند. معنای عملی آن محکوم کردن یک جامعه به فقر و گرسنگی برای قیام نکردن علیه دولت حاکم است.

در همین دوره اخیر موارد بسیاری از عدم کارایی این سیاست و ضد انسانی بودن آن را شاهد بوده ایم. مورد عراق یک نمونه برجسته اخیر است. در عرض دوازده سالی که عراق به تحریم اقتصادی محکوم شده بود هزاران نفر در این کشور جان سپردند. جامعه بشدت به عقب کشیده شد. و طنز تلخ اینجاست که دولت صدام در عمل تقویت شد. سیاست تحریم علیه کوبا اکنون این جامعه را با فقر و مشقت بسیاری روبرو کرده است. اما دولت هنوز سر جایش باقی است.

حتی اگر این سیاست قادر بود دولت را از پا باندازد باز من دقیقاً از زاویه رفاه و وضعیت مردم با آن مخالف میبودم. جریانات اپوزیسیون که متعقد اند چنین سیاست هایی "فرصت هایی" را میگذارید، بنظر من دیدگاه شان بسیار ضد انسانی و بیمار گونه است. ما خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستیم. معتقدیم که هر لحظه ای که این رژیم در قدرت باقی بماند، خشونت و جنایت بیشتری بر مردم تحمیل میشود. اما حاضر نیستیم که به مردم سختی، مشقت و فلاکت بیشتری تحمیل شود به این امید که این سختی مردم را به شورش میکشاند، یا فرصت هایی را برای سرنگونی رژیم فراهم میآورد.

**پروین کابلی:** در بیانیه آمده است که به بهانه جنگ زنان بیشتر مورد اذیت و آزار قرار خواهند گرفت و جامعه بیشتر اسلامیزه خواهد شد. معنای عملی این بخش از بیانیه چیست؟ آیا تصویر بدتری از این هم برای زنان در ایران وجود دارد؟

**آذر ماجدی:** موقعیت زنان در جامعه یک پدیده استاتیک نیست. این موقعیت بنا به توازن

قوای سیاسی میان رژیم و جنبش اعتراضی مردم بطور کلی و جنبش حقوق زن بطور اخص تغییر میکند. در چند سال اخیر این رابطه کش و قوسهای بسیاری داشته است. توازن قوا نسبت به ده سال پیش به نفع جنبش حقوق زن تغییر کرده است. اما رژیم هر از چندگاهی به این جنبش تعرض میکند. هر زمان که میخواهد جامعه را ساکت و مرعوب کند، زنان اولین گروهی هستند که مورد تعرض قرار میگیرند. یک جنگ رو در رو و پارتیزانی انجام میگیرد، مدتی این جنبش کمی عقب می نشیند، بار دیگر یک تعرض توده ای به سنگرهای فتح شده رژیم سازمان میگیرد. اکنون بیش از یک دهه است که ما شاهد این روند هستیم.

درست پیش از درآمدن اسم احمدی نژاد از صندوق، جنبش آزادی زن پیشروی های چشمگیری بدست آورده بود. شکستن دوفاکتوی دیوار آپارتاید در استادیوم ورزشی یکی از لحظات مهم این تحرک بود. اما مدتی کوتاه پس از ریاست جمهوری احمدی نژاد تعرض گسترده به زنان آغاز شد. از آن زمان ما شاهد یک روند الاکلنگی هستیم. با اعمال فاز دوم تحریم و تشدید تبلیغات جنگی رژیم تعرض به زنان را آغاز کرده است. اخیراً رژیم بخشنامه ای صادر کرده است که زنان کارگر باید در سر کار چادر بسر کنند. این آغاز یک پروسه تشدید اسلامیزه کردن جامعه است. بدیهی است که اولین قربانیان تشدید سیاست اسلامیزه کردن جامعه زنان هستند. اکنون درباره چادر بخشنامه میدهند، دو روز دیگر زنان را به خانه میفرستند.

وضعیت زنان در جامعه به یمن گسترش و تعرض جنبش آزادی

دنباله در صفحه بعد

### دنباله با هم علیه خشونت از صفحه قبل

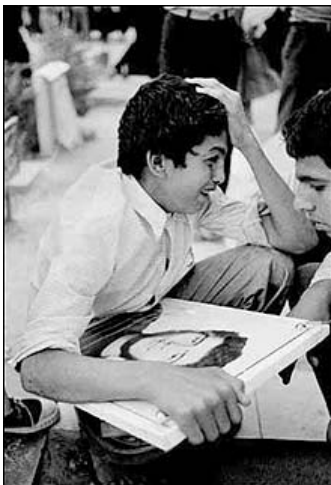
که به عقب ماندگی و نابرابری برای ادامه حیات نیازمند است و دولت های حافظ این نظام نیز سازمان داد. همچنین مبارزه با فقر یکی از مسائل مهم و پایه ای برای رفع خشونت علیه زنان است. علاوه بر تمام این مسائل مهم در جوامع اسلام زده، نظیر ایران مبارزه با اسلام سیاسی و تلاش برای استقرار یک نظام آزادیخواه و برابری طلب و سکولار از ملزومات مبارزه با خشونت علیه زنان چه در شکل دولتی و چه خانوادگی است. سازمان آزادی زن همه زنان و مردان آزادیخواه را به مبارزه ای گسترده علیه خشونت نسبت به زنان و برای برابری زن و مرد فرا میخواند. به همین مناسبت ما یکبار دیگر بازداشت و اسارت فعالین حقوق زن در ایران را قویاً محکوم میکنیم و از تمام انسانهای آزادیخواه میخواهیم که به کمپین ما برای آزادی این فعالین بیبوندند و پتیشن مربوط به این کمپین را امضاء کنند.

<http://www.PetitionOnline.com/maryam20/petition.html>

**ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زنده باد آزادی زن!**

**سازمان آزادی زن [www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)**

**نه به مجازات اعدام! نه به جمهوری اسلامی!**



که "شورای ملی صلح" در صورت حمله نظامی به حمایت از رژیم اسلامی دست خواهد زد؟

**آذر ماجدی:** برای شناخت و تحلیل این حرکت باید هم به بیانیه و اهداف این نهاد دقیق شد و هم به گرایشی که موسسین آن نمایندگی میکنند. خانم عبادی، علیرغم دفاع از برخی حقوق زنان، طی این سالها نقد عمیق و جدی به رژیم اسلامی ارائه نداده است. ایشان تاکنون صرفاً از اصلاح برخی قوانین به نفع زنان دفاع کرده است. کلیه این قوانین و خاستگاه آن، یعنی قانون شرع اسلام را نه تنها نقد نکرده است، بلکه موکداً و در موارد متعدد از اسلام دفاع کرده است. ایشان معتقد است که اسلام با حقوق زنان در تناقض نیست. راستش با تمام احترام به فعالیت هایی که خانم عبادی بعنوان یک مصلح اجتماعی انجام داده است، در ایران حتی یک دختر 9 ساله نیز که بزور بر سرش حجاب میکنند، خندیدن و ورزش کردنش را محدود و مقید میکنند، مدرسه اش را تبدیل به زندان کرده اند با گوشت و پوست خود تناقض پایه ای و نهادی اسلام با حقوق زن را درک کرده است. دختر 14 ساله ای که شوهرش

دنباله در صفحه ۵

یکی از خطرات دیگر، حاشیه ای شدن مطالبات زنان در شرایط جنگی است. گفته خواهد شد که در این شرایط مساله جنگ اصلی و عمده است و موقعیت و حقوق زنان یک مساله فرعی. باید در مقابل این تمهیدات ایستادگی کرد. این آن چیزی است که رژیم اسلامی در پی آنست. به همین خاطر است که این رژیم خود بر طبل جنگ میکوبد. سرکوب مبارزات اعتراضی مردم و تثبیت خود، هدف رژیم است. این هدف با خواستهای مردم و جنبش آزادی زن بهیچوجه خوانایی ندارد. باید در مقابل این سیاست مقاومت توده ای سازمان داد. البته کاملاً روشن است که فعالیت های اعتراضی، از جمله جنبش آزادی زن در این شرایط سخت تر و پیچیده تر میشود. آزمون سختی در مقابل جنبش آزادی زن است.

گرایش راست درون جنبش دفاع از حقوق زن، گرایش ملی - اسلامی در شرایط جنگی پشت رژیم به صف خواهد شد و به مانعی مهم در مقابل جنبش آزادی زن بدل میشود. باید از همین حالا این گرایش را افشاء کنیم. باید جامعه را در مقابل این سیاست واکنش کنیم. نباید اجازه دهیم که این گرایش درون جنبش دفاع از حقوق زن دست بالا پیدا کند. اگر چنین شود، جنبش آزادی زن عقب نشینی مهمی را متحمل میشود. در همین شرایط "شورای ملی صلح" که به ابتکار خانم عبادی تاسیس شده است دارد طلیعه های این سیاست را به نمایش میگذارد. این جنگ مردم نیست. جنگ دو نیروی تروریستی است. مردم باید در مقابل هر دو طرف به صف شوند. این تحلیل را باید در جامعه اشاعه داد.

پروین کابلی: چرا فکر میکنید

درگیر شود، این جنبش چه وظایفی خواهد داشت؟ نیروهایی که امروز برای امر زنان در ایران فعالیت میکنند و به قوانین نابرابر متعرض هستند ولی کلیت رژیم را قبول دارند چه خواهند کرد؟ آیا فکر نمیکنید که اینها در کنار رژیم قرار خواهند گرفت و زنان را برای بقای جمهوری اسلامی بسیج خواهند کرد؟

**آذر ماجدی:** جنبش آزادی زن همچون سایر جنبش های اجتماعی پیشرو خواه ناخواه در شرایط جنگی باید به این مساله مهم که تمام جامعه را تحت تاثیر قرار میدهد، بپردازد. جنگ یک مساله حاشیه ای نیست که بتوان به آن بی توجه بود و به فعالیت خود ادامه داد. شرایط جنگی وضعیت کاملاً جدید و مسائل جدیدی را بوجود میآورد. جنبش آزادی زن باید علیه جنگ مبارزه کند. پیش از جنگ باید برای توقف آن بکوشد. در صورت حمله نظامی باید برای توقف آن تلاش کند.

اما یک مساله مهم در مقابل جنبش آزادی زن در ایران اینست که نباید به دام ناسیونالیسم و سیاست شناخته شده "دفاع از دولت خودی" در غلطد مبارزه با جمهوری اسلامی باید با جدیت و شدت تمام در دستور کار جنبش آزادی زن باشد. این سیاست سازمان آزادی زن است که در بیانیه خود در مورد جنگ آن را باز کرده است. **نه به جنگ، آزادی، برابری و رفاه شعار سازمان آزادی زن است.** ما تلاش خواهیم کرد که این شعار به شعار جنبش آزادی زن بدل شود. این تنها سیاست اصولی و درست است.

**دنباله مصاحبه با آذر ماجدی از صفحه قبل**

زن و تغییر توازن قوای سیاسی در جامعه اکنون از ده سال پیش بسیار بهتر شده است. اگر رژیم موفق به شکست این جنبش شود، وضعیت زنان میتواند از این بسیار سیاه تر شود. اما خوشبختانه جنبش آزادی زن آن چنان گسترده، عمیق و توده ای شده است که رژیم اسلامی موفق نخواهد شد عقب نشینی بسیاری را برای مدتی طولانی به آن تحمیل کند. اینجاست که بنظر من نقش سازمانی مثل سازمان آزادی زن بسیار مهم و تعیین کننده میشود. ما باید به این مسئولیت خود آگاه باشیم و مسئولانه و پیگیر برای انجام وظائف مان دست بکار شویم. همین چند روز پیش رسانه ها گزارش دادند که مجلس اسلامی در حال بررسی یک لایحه است که به سنگسار را در شرایطی که به زیان منافع ملی است متوقف کنند. این بیانگر تاثیر تلاش ها و مبارزات ما و سازمان های



دیگری است که در سطح بین المللی فعالیت میکنند. سازمان آزادی زن باید کاملاً خود را برای شرایط جنگی آماده کند. ما باید با تمرکز و قاطعیت در مقابل سرکوب رژیم یک مقاومت بین المللی سازمان دهیم. میتوان و باید تعرضات رژیم را درهم شکست.

**پروین کابلی:** شما از جنبش آزادی زن صحبت میکنید. در شرایط جنگ، اگر جنگی

**ستم بر زن موقوف!**





# سویچ مارس

## ستم بر زن موقوف

**فعالین جنبش آزادی زن به استقبال روز جهانی زن میروند!**

**نسرين رضاعلی**

در نگاهی گذرا به یکسالگی که گذشت، میتوان تصویری روشن از موقعیت جنبش زنان در ایران را بدست داد. در این نوشته می‌خواهیم تلاش‌های فعالین جنبش آزادی زن را برای امر رهائی، آزادی و برابری، ارزیابی کنیم. نقاط قوت و ضعف آن را بررسی می‌کنیم و نشان خواهیم داد امروز جنبش زنان در چه موقعیتی است و از چه درجه آمادگی برخوردار است. و بالاخره با کدام خواستها و مطالبات به استقبال روز جهانی زن می‌رود.

جنبش زنان به وسعت جامعه ایران است. جنبشی است که با سرکار آمدن جمهوری اسلامی وحشیانه سرکوب شد. گام اول سرکوب حکومت الله، خانه نشین کردن و ایزوله کردن اجتماعی نیمی از جامعه بود. زنان به مثابه بخشی عظیم و معترض در جامعه ایران، از همان ابتدا شاهد تحمیل بی حقوقی‌ها، تحقیرها و در یک کلام زندگی تحت قوانین نظام آپارتاید جنسی بود. نابرابری بنیادی زن در جامعه و خانواده و قوانین، نه فقط مرتفع نشد بلکه در اسلام و توحش قرون وسطی ضرب شد. زنان را دسته جمعی به زندان آپارتاید بردند. بین جامعه عملاً دیوار کشیدند. مانند هر جا که قوانین زور و تبعیض خشن حکم میکند، معترضین را با خشونت تمام سرکوب کردند. لمپنیسم جامعه از قانون و شریعت تا نیروی چاقوکش خیابانی حزب الله را به جان زنان انداختند. اسناد بیشمار پاشیدن اسید به صورت و بدن زنان، تیغ کشی به روی زنان، شکنجه، تجاوز، اعدام، سنگسار موجود اند. ارتجاع

اسلامی برای به عقب کشاندن جنبش برابری طلب و آزادیخواه زنان هر کاری که توانست انجام داد.

اما این یک طرف واقعیت است. طرف دیگر مقاومت زنان و تسلیم نشدن است. جنبش زنان در زندان بزرگ جامعه و خانواده تا زندانهای رسمی پرچم مقاومت را برافراشته نگهداشت. محصول این مقاومتها، که همواره با سرکوب شدیدتر همراه بوده است، شکستن دیوارها و به مصاف طلبیدن قوانین ارتجاعی بوده است. در دوره ای عملاً این قوانین در جامعه از نظر زنان منسوخ شدند. زنان با عمل جمعی مقاومت کردند. جنبش ما غیر سازمانیافته بود اما درد مشترک ما را در مقابل ارتجاع هم جهت میکرد. در سالهای اخیر ما قادر شدیم که میراث پیشروی حکومت آپارتاید را اگر نه قانونا اما در عمل ملغی کنیم. حرف روشن خود را بزیم و جلو برویم. در سال گذشته شدیدترین حملات را علیه زنان سازمان دادند. اما زنان در مقابل هر تعرضی که رژیم سازمان می‌دهد، با اشکال جدیدتر و محل نگذاشتن به قانون و مجری قانون عرض اندام میکنند. این رادیکالیسم اجتماعی است که در مقابل هر تعرضی که سازمان داده می‌شود پاسخ محکمی می‌دهد. آنچه امروز مبارزه با "اراذل و اوباش" و مبارزه با "بد حجابی و بی حجابی" نامیده میشود، پدیده تازه ای برای زنان نیست. ما همواره با این وحشی‌ها و عملکردشان روبرو بودیم. این عملیات خیابانی نشان شکست آنهاست. مقاومت زنان بعنوان نیمی از جامعه بشری، حکومت خدا را به لرزه درآورده است و واکنش نشان میدهد. آنچه بنام "دفاع از ناموس و شرف مردان" باغیرت "خاک پاک ایران زمین"

سازمان داده شده، تنها گوشه ای از تعرض به جنبشی بود که قدرت خود را شناخته بود. اسلام این آقایان دیگر کاربرد ندارد، اسلحه ناسیونالیستی "خاک پاک" را در دست گرفتند. تلاش میکنند "غیرت و ناموس پرستی" ارتجاعی جامعه مردسالار را در هر شکلی بعنوان یک اسلحه علیه برابری طلبی زنان بکار گیرند. جنبشی که قدرت خود را دریابد، راه آزادی خود را دریابد، معنی مقاومت ارتجاع در مقابل خویش را بیشتر درک میکند.

جنبش زنان برای آزادی و برابری بیفید و شرط زن و مرد، موانع و ابزارهای کنترل و مهار حکومت را پس زد، سرکوب را به ضد خود تبدیل کرد، فعالین این جنبش خود را ترمیم کردند، و بعنوان یک جنبش با خواستهای رادیکالتر رژیم ضد زن را به مصاف طلبیدند. نه جنگ ایران و عراق، نه اعدامها و کشتارهای دسته جمعی زنان، نه تیغ به صورت کشیدن، نه اسید پاشی ها، نه تحمیل قوانین ضد انسانی به زنان در خانواده و جامعه، نتوانست زنان را از مبارزه ای که در پیش گرفته بودند به حاشیه براند. روز جهانی زن یعنی 8 مارس یک عرصه مبارزه بود. شاهد بودیم که تلاش شد روزهای دیگری را به "روز جهانی زن" تبدیل کنند، موفق نشدند. جنبش آزادی زن روز 8 مارس را در ایران تثبیت کرد.

زنان در ایران با مبارزات خود اثبات کردند که این وضعیت را نمیپذیرند و تلاش دارند همگام با انسان مدرن و متمدن امروز جلو بروند. می‌خواهند دستاوردهای بشر را از آن خود کنند. می‌خواهند آزادی و برابری را تجربه کنند. ما ناچاریم برای رسیدن به هدفمان موانع را از سر راه برداریم.



ارتجاع اسلامی و احادیث و قوانین اش مانع هستند. ما در عین حال جنبشی برای فقط خود نیستیم. ما نصف پیکره جامعه هستیم. ما در جنبش کارگری، در جنبش دانشجویی و در قلب هر اعتراض اجتماعی هستیم. ما قویتر از آنیم که فکر میکنیم. ما شاهد رشد بی سابقه نقش زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هستیم. منظور از سیاست، سیاست دولتی نیست. حضور گسترده در محیطهای آموزشی و دانشگاهها نشان میدهد که ما خانه نشین نمیشویم. کور خوانده اند. حضور ما در محیط های کار، بخصوص ادارات و مدارس و بیمارستانها و بخش خدمات اجتماعی را بیشتر نیروی کار زنان تامین می‌کند. به ابعاد وبلاگهای فعالین زن، سایتها و کمپینهای مختلف نگاه کنید تا وسعت این جنبش را ببینید. امروز زنان در جامعه همه جا هستند. زنان تنها در جنبش زنان برای آزادی نیستند. هر جا که بوی آزادی میدهد ما هستیم و بخشی از آنیم. لازم به تاکید است بخصوص در دو سه سال اخیر ما شاهد حمایت همسران کارگران از اعتصابات کارگری بودیم. اگر نگاهی گذرا به خود جنبش کارگری در ایران داشته باشیم، در سابق هرگز شاهد شرکت دوشادوش زنان در مبارزات کارگری نبودیم. امروز وضعیت فرق میکند. زنان نه تنها از همسران خود دفاع میکنند، نه تنها در محلات اعتصاب را به سایرین

بقیه در صفحه ۷

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

### دنباله مصاحبه با آذر ماجدی از صفحه ۳

میدهند، مادری که از حضانت و سرپرستی فرزندانش محروم میشود، زنی که مورد خشونت همسر قرار میگیرد و می بیند که قانون صریحا و در کمال وقاحت از حق مرد در ضرب و جرح زن دفاع میکند، به عینه می بیند که اینها همه قوانین اسلامی هستند. آیا خانم عبادی میتواند آن دختر ۹ ساله یا ۱۴ ساله و آن مادر را قانع کند که اسلام با حقوق زن در تناقض نیست؟ ممکن است این دفاع را بعنوان تاکتیک توجیه کنند. استدلال شود که اگر معتدل باشیم، مسالمت آمیز باشیم، بجای قاطعیت، استغاثه کنیم، بهتر میتوانیم به حقوق زنان دست یابیم، این تاکتیک پوچی و سترونی خود را بارها و بارها ثابت کرده است.

بعلاوه خانم عبادی صریح و



قاطع از آقای خاتمی دفاع کرده است. آقای خاتمی نه تنها هیچ قدمی در مورد حقوق زنان برنداشت، قصد آن را نیز نداشت. تنها خاصیت این روش ها توهم پراکنی و مانع تراشی در مقابل پیشبرد جنبش آزادی زن است. با این شناخت روشن میشود که خانم عبادی به گرایش ملی - اسلامی متعلق است. و بنظرم همین خاستگاه اجتماعی - سیاسی مسیر این شورا را در زمان جنگ برملا

میکند. این شورا در صورت حمله نظامی از "دولت خودی" دفاع خواهد کرد. "تضاد عمده" خود را با آمریکا و دشمن خارجی تعریف خواهد کرد و فعالیت های خود در جهت کسب برخی حقوق زن را حاشیه ای میکند. این در ناسیه این شورا نوشته شده است.

مساله دیگر دفاع از حق برخورداری از انرژی هسته ای توسط رژیم اسلامی است. این سیاست بیانگر اینست که 1- موسسین شورا توجیه آمریکا و غرب را برای حمله پذیرفته اند و تحلیل شان از چرایی این جنگ کاملا بر یک پایه اشتباه گذاشته شده است. 2- پذیرفته اند که رژیم اسلامی صرفا قصد دارد که به انرژی هسته ای و نه سلاح هسته ای دست یابد. 3- همین خواست عمق ناسیونالیستی این گرایش را نشان میدهد. ما بعنوان یک سازمان آزادیخواه و رادیکال باید این سیاست ها و حامیان آن را افشاء کنیم و بکوشیم تاثیرات آن را در جنبش آزادی زن خنثی کنیم.

**پروین کابلی:** سازمان آزادی زن از "بیانیه علیه جنگ و در دفاع از مدنیت جامعه ایران" حمایت کرده است. چرا؟

**آذر ماجدی:** سازمان آزادی زن یک سازمان جدی و مسئول است. ما نگران جامعه در صورت وقوع جنگ هستیم. همگی به چشم دیده ایم که چه بلایی بر سر جامعه عراق آمده است. بعنوان یک سازمان جدی و مسئول موظفیم که برای جلوگیری از چنین شرایطی در ایران چاره بیاندیشیم و آماده شویم. سازمان آزادی زن یک سازمان معتبر و شناخته شده در ایران و در سطح بین المللی است، لذا تعیین سیاست، دفاع از یک سیاست معین یا مقابله با سیاست دیگر از جانب سازمان

آزادی زن میتواند معنا و تاثیر سیاسی - اجتماعی داشته باشد. به این خاطر ما از این بیانیه حمایت کردیم و سایر سازمان ها را نیز به حمایت از آن تشویق میکنیم.

ممکن است این استدلال مطرح شود که بعنوان یک سازمان مدافع حقوق زن، ما نباید به این شیوه وارد مسائل سیاسی جامعه شویم. ما هیچگاه چنین محدودیت هایی برای خود و برای هیچ سازمان دیگری که به یک معنا تک موضوعی فعالیت میکند، قائل نبوده و نیستیم. ما همه انسان های سیاسی هستیم. اگر موضع سیاسی اصولی و درست اتخاذ نکنیم، عملا به پیشرفت سیاستی که به زیان جامعه است کمک کرده ایم. زنان نیمی از جامعه اند. این دیدگاه که سازمان های مدافع حقوق زن را به این شکل محدود میکند، بسیار تنگ نظرانه است. ما اهداف خود را وسیعتر تعیین کرده ایم. تغییر جامعه به یک جامعه آزاد و برابر از اهداف ماست.

**پروین کابلی:** سال گذشته سازمان آزادی زن از بیانیه جبهه سوم حمایت کرد. خود شما نیز از امضاء کنندگان اولیه آن بودید و برای جلب حمایت بین المللی از این بیانیه فعالیت بسیاری کردید. آیا سازمان آزادی زن کماکان از این بیانیه حمایت میکند؟ آیا دفاع از بیانیه "علیه جنگ و در دفاع از مدنیت جامعه" با حمایت از بیانیه جبهه سوم تناقضی ندارد؟

**آذر ماجدی:** ما هنوز امضای خود را زیر این بیانیه داریم و قصد حذف حمایت خود را از این بیانیه نداریم. البته این بیانیه نوافسی دارد که در همان زمان هم که من این بیانیه را امضاء میکردم به آن واقف بودم و با صادر کنندگان آن در

این زمینه بحث کردم. اما این نواقص مانع امضاء آن، حمایت و تبلیغ برای آن نشد و هنوز هم نمیشود. در اینجا باید یک نکته دیگر را نیز اضافه کنم، این بیانیه هیچگاه از یک سند آنلاینی فراتر نرفت. این یکی از جدل های من با مبتکرین آن بود. اکنون هم نزدیک به یک سال است که متاسفانه به یک پروژه خوابیده بدل شده است و فعال نیست.

بین این دو بیانیه هیچگونه تناقضی وجود ندارد. یکی بیانیه ای رو به سازمان ها و احزاب ایرانی است و دیگری رو به جامعه بین المللی. مخاطبین و اهداف و پلاتفرمی متفاوت دارند. بنظر من اتفاقا امضای هر دو نشان دهنده انسجام و پیگیری خط ما در مقابله با جنگ و رژیم اسلامی و تلاش برای کاهش مشقات و دردهای مردم است.

**پروین کابلی:** به عنوان آخرین سوال، جنبش آزادی زن در ایران در طول سالها هزاران انسان را در سراسر دنیا برای اعتراض به قوانین آپارتاید جنسی بسیج نموده است. در صورت احتمال جنگ در ایران چه پیامی برای آنها دارید. آنها چه میتوانند بکنند؟

**آذر ماجدی:** ما بر فعالیت خود در سطح بین المللی خواهیم افزود. ما از تمام انسان های آزادیخواه و برابری طلب، و از مدافعین حقوق زن میخواهیم که به شعار ما بپیوندند و به ما برای پیشبرد آن یاری رسانند. ما آنها را به مقابله با جنگ فرامیخوانیم و ضمنا از آنها میخواهیم که از مبارزات مردم ایران و جنبش آزادی زن قاطعانه حمایت کنند. این ارکان یک سیاست مترقی و آزادیخواهانه است.

**پروین کابلی:** با تشکر از شرکت شما در این مصاحبه

به سازمان آزادی زن بپیوندید!



## بیانیه سازمان آزادی زن درباره خطر جنگ و تحریم اقتصادی نه به جنگ، نه به رژیم اسلامی! زنده باد آزادی، برابری و رفاه!

اسلامی تلاش خواهد کرد که به بهانه جنگ هر نوع اعتراضی را سرکوب کند. تلاش رژیم برای تشدید خفقان و سرکوب از اولین محصولات این جنگ است. هم اکنون رژیم اسلامی سرکوب در جامعه را شدت داده است. دستگیری، شکنجه، ربودن و ترور فعالین جنبش های اجتماعی، زنان، کارگران، دانشجویان، خانواده های زندانیان سیاسی در ماه های اخیر بشدت افزایش یافته است. جنگ میتواند این شرایط را بمراتب وخیم تر کند.

علاوه بر فقر، فلاکت، سختی و مشقتی که تحریم اقتصادی و جنگ بر تمام مردم ایران تحمیل خواهد کرد، زنان به بهانه جنگ مورد اذیت و آزار شدید تر و سرکوب اسلامی گسترده تر قرار خواهند گرفت.

هم اکنون رژیم میکوشد جامعه را اسلامیزه کامل کند. دستور داده است که زنان کارگر در سر کار چادر بسر کنند. این پروسه اسلامیزه شدن با آغاز جنگ تشدید میشود و زنان اولین قربانیان آن خواهند بود. تلاش برای خانه نشین کردن آنها دوباره شدت می یابد. زنان اولین دسته ای هستند که از کار بر کنار میشوند و حقوق ناچیزشان ناچیز تر میشود. خانواده هایی که سرپرست شان زن اند فشار فقر را بسیار سریعتر و شدید تر احساس خواهند کرد. هم اکنون فحشاء در ایران بیداد میکند. ابعاد آن با آغاز جنگ وسیعتر و تاثیرات آن بر زندگی زنان سهمگین تر خواهد شد. ما

بقیه در صفحه بعد

مردم تحمیل میکند وگرسنگی، فقر، فلاکت و تمام عوارض اجتماعی فقر و نابسامانی را صد چندان میکند. یازده سال تحریم اقتصادی عراق یک سند دردناک تاثیرات ویرانگر و ضدانسانی تحریم است. در عراق ادعا شد که برای مبارزه با سلاح کشتار جمعی، تحریم اعمال میشود. اما دنیا به عینه دید که تحریم اقتصادی علیه مردم یک کشور، خود یک سلاح کشتار جمعی بیش نیست. کسانی که با این تصور که مردم تحت فشار تحریم علیه رژیم اسلامی بلند میشوند، از این سیاست حمایت میکنند و یا بشکلی دیپلماتیک در مقابل آن سکوت کرده اند، نه تنها در تحلیل خود دچار اشتباه اند، بلکه دیدگاه شان بسیار بیمارگونه است.

جنگ علیه ایران باعث کشتار وسیع و نابسامانی در جامعه میشود و خطر از هم پاشیدگی کامل سامان جامعه وجود دارد. جنگ ویرانی، مشقت و درد برای مردم به ارمغان می آورد. بعلاوه این جنگ یک فاجعه محیط زیستی نه فقط برای ایران که برای کل منطقه است. تاثیرات ویرانگر و مخرب جنگ به همین جا ختم نمیشود. جنگ موقعیت رژیم اسلامی را در مقابل جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم تقویت میکند. مردم هم اکنون با رژیم در حال جنگ و درگیری مداوم اند. جنبش های وسیع اجتماعی، جنبش حقوق زن، کارگری، برای رفاه، برای خلاصی فرهنگی و سکولاریستی در جامعه مبارزه میکنند. رژیم

تروریسم اسلامی. آمریکا که عملاً در جنگ عراق بازنده شده است، برای حفظ موقعیت خود بعنوان ابر قدرت و قدرتی جهانی حمله به ایران را تنها راه می بیند. جنگ عراق پای رژیم اسلامی را کاملاً به جامعه عراق باز کرد و اسلامیت ها سرنوشت این جنگ را به دست گرفتند. در حمله نظامی به لبنان تابستان گذشته، علیرغم کشتار وسیع مردم لبنان و بی خانمانی یک میلیون انسان، اسرائیل که با توصیه و حمایت کامل آمریکا و بریتانیا جنگ را آغاز کرده بود، عملاً نتوانست در مقابل حزب الله و حامیانش، جمهوری اسلامی و سوریه، به پیروزی نظامی دست یابد. نتیجه هر دو جنگ عراق و لبنان به قدرت یابی اسلامیت ها ختم شده است و جمهوری اسلامی در این پیروزی نقشی اساسی دارد. آمریکا در متن سیاست نظم نوین جهانی اش ناگزیر است که به یک پیروزی علیه رژیم اسلامی دست یابد. مساله سلاح هسته ای، فرصتی است که آمریکا روی آن سرمایه گذاری کرده است.

تحریم اقتصادی سلاح ضد انسانی دیگری است که توسط آمریکا و دولت های غربی علیه مردم ایران بکار گرفته شده است. در دفاع از تحریم ادعا میشود که تحریم رژیم اسلامی را به زانو در خواهد آورد و آن را به تسلیم میکشاند و یا مردم علیه آن شورش خواهند کرد. اما قربانیان تحریم نه رژیم اسلامی، بلکه مردم ایران خواهند بود. تحریم شرایط بسیار سختی را بر

خطر حمله نظامی بر فراز سر مردم ایران در پرواز است. دولت آمریکا بر حمله نظامی مصر است و تلاش میکند که توافق دولت های دیگر را جلب کند و در آمریکا افکار عمومی را برای این حمله آماده نماید. وزیر امور خارجه فرانسه از حمله نظامی به ایران دفاع کرده است. از طرف دیگر رژیم اسلامی در آتش جنگ میدمد. هر دو طرف بر تبلیغات جنگ طلبانه خود افزوده اند. در میان دامن زدن به فضای جنگی تحریم های اقتصادی علیه ایران افزایش یافته است.

علت جنگ جلوگیری از دستیابی رژیم اسلامی به سلاح هسته ای اعلام میشود. این تنها بخشی از مساله است. اما تبلیغات جنگی، بخاطر جلب افکار عمومی بین المللی و توجیه سیاست جنگ افروزانه آمریکا کاملاً و صرفاً بر این مساله متمرکز شده است. در مورد عراق نیز شاهد بودیم که نابودی سلاح کشتار جمعی بعنوان علت جنگ اعلام میشد. این اما یک دروغ بزرگ بود که به بهانه آن جنگ عراق و کشتار و ویرانی جامعه عراق آغاز شد. دستیابی رژیم اسلامی به سلاح هسته ای قطعاً هولناک است. اما باید بیاد داشته باشیم که اولین و تنها دولتی که سلاح هسته ای را بکار برده است، آمریکا است. کشتار وحشیانه در هیروشیما و ناکازاکی نقطه سیاهی در تاریخ بشریت، بنام آمریکا به ثبت رسیده است.

این جنگ میان دو قطب تروریسم است، تروریسم دولتی به سرکردگی آمریکا و

# زنده باد آزادی زن!



این اقدامات هنوز کافی نیست اما شروع شده است.

در اینجا تلاش داشتیم تصویری بدهم که جنبش زنان در چه موقعیتی است. در ادامه این مطلب تلاش خواهم کرد به گوشه و زوایای دیگر این جنبش بپردازم و اینکه برای ۸ مارس امسال کدام خواسته‌ها و کدام شعارها محور اصلی است. چگونه باید به استقبال ۸ مارس رفت و امر سازماندهی این جنبش و رابطه سازمان آزادی زن با جنبش زنان در ایران کدامها هستند. کدام وظایف را پیش رو داریم.

ماست. اما این مبارزه از این طریق پیش نمیرود. این ارتجاع ضد زن پادزهر اصلاح خود را ندارد. میتواند عقب بنشیند، اما این هم باید تحت فشار نیروی متحد ما باشد نه التماس به جان اسلام و آخوندها. از طرف دیگر ما همان زمانی که بهبود می‌خواهیم، تغییر واقعی هم می‌خواهیم. نابرابری زن و مرد ریشه در نابرابری جامعه دارد. در واقع آنچه جنبش آزادی زن می خواهد زیرو روکردن تمامی این نابرابری‌ها است. مدتهاست که زنان در ایران همگام با جنبشهای جهانی برای آزادی و برابری مبارزه می‌کنند.

منکرات را بجان زنان انداختن، تنها معضل ما نیست. در جامعه و در جنبش زنان گرایش ملی مذهبی وعده میدهد که از طریق اصلاح قانون میتوان به رفع ستم و نابرابری رسید! گرایشی که قوانین ارتجاع اسلامی را در تناقض با حقوق زنان نمی بیند. ما را به محضر این و آن حاجی آقا میبرند که دردمان را درمان کنند! این را باید بگویم که زنان مخالف اصلاح قوانین نیستند. جنبش زنان یک هدف فوری اش اصلاح قوانین به نفع برابری در خانواده و در قانون است. مبارزه برای بهبود وضعیت زنان الفبای مبارزه

**دنباله به سوی ۸ مارس از صفحه ۴**

مژده میدهند، نه تنها طومارهای حمایتی توسط زنان به امضا می رسد، بلکه دوش به دوش همسران خود اعتصابات را با هم سازمان میدهند و به پیش می برند. به تازیه کشیدن همسران کارگران در اعتصابات نساجی و دستگیری همسران کارگران شرکت واحدی شاید یکی از دهها نمونه ای است که می شود به ان اشاره کرد.

اما جمهوری اسلامی، با سرکوب عریان و گشتهای حزب الله و

### دنباله بیانیه سازمان آزادی زن از صفحه قبل

تلاش خواهیم کرد که مقاومت گسترده مردم و جنبش آزادی زن علیه سرکوب رژیم اسلامی را سازمان دهیم. سازمان آزادی زن از کلیه مردم ایران، فعالین جنبش حقوق زن، کارگری و از تمام آزادیخواهان و انسان دوستان میخواهد تا این جنگ تروریست ها را محکوم کنند. باید به یک جنبش وسیع علیه حنگ و سیاست های جنگ افروزانه آمریکا و اسلام سیاسی دامن زد. شعار نه به جنگ، نه به رژیم اسلامی، زنده باد آزادی، برابری و رفاه باید به شعار این جنبش بدل شود. ما از تمام نیروها و سازمان های انسان دوست و آزادیخواه می‌خواهیم تا با ما هم صدا شوند.

**نه به جنگ، نه به رژیم اسلامی، زنده باد آزادی، برابری و رفاه!**

**ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زنده باد آزادی زن!**

**سازمان آزادی زن**



پذیرد؟ چرا آنجا؟ می‌گویم به خاطر اینکه در مرکز شهر است و محل رفت و آمد مردم. الین ادامه میدهد، و دیگر اینکه اولین مجسمه زنی است که در گوتنبرگ نصب شده است. دوست خبرنگارانمان می‌خندند. می پرسم چرا؟ می‌گویند، یوهانا در اواخر قرن ۱۸ زندگی میکرد و زن بسیار زیبایی بوده که تن فروشی میکرد. الین برافروخته میشود و می‌گوید خب که چی؟ چه کسانی خدمات وی را می‌خریدند؟ بگو؟ طرف گفتگوی ما یکه ای می‌خورد و می‌گوید، من فقط یک فاکت تاریخی آوردم. من می‌گویم تن فروشی هم یک خشونت آشکار به زنان است. به نظر من بسیار مناسب است که تظاهرات و اعتراض به موقعیت زنان در چنین جایی خاتمه می‌یابد. سکوتی برقرار میشود و هر دو با تکان دادن سر تائید میکنند. چند نفر دیگر میرسند و جمع بزرگتر میشود. از آنها جدا میشوم و شمعه را روی زمین می‌گذارم. نمیدانم چرا بیاد آتفه رجبی می‌افتم. اولین شمع را روی پله های میدان می‌گذارم و با فندکی سعی میکنم که روشن کنم. تعداد دیگری هم با شمع هایشان از راه میرسند. تو دلم میگم این شمع برای آتفه، پس کبرا چی، پس مریم چی، پس نازنین چی؟

شعلا از راه میرسد و بلافاصله با سنجاق سینه هائی را که با خود دارد به میان جمعیت که اکنون به بیش از صد نفر رسیده اند میرود. سرما اذیت میکند. دور دیگری

یک گزارش کاملا شخصی!

ساعت یک ربع به ۳ در محل تظاهرات حاضر بودم. با همه عجله ای که داشتم فراموش نکردم که چند عدد شعمی که تهیه کرده بودم با خودم داشته باشم. هزار و یک تصویر از ذهنم می‌گذرد. نگاه کردم دیدم که کسی در محل حاضر نیست. روزی سرد و هوا رویه تاریک میرفت. شاید محل تجمع را عوض کرده اند. با تلفن دستی با شهلا نوری تماس می‌گیرم. می‌گوید که ساعت سه و نیم تجمع است. آه، تو این هوای سرد چکار کن. ناگهان الین را می بینم که پرچم در دست لنگان لنگان می‌آید. به محض دیدن من به گردنم آویزان میشود. کجائی؟ ازت خبری نیست. صدای خودم را میشنوم که می‌گویند خودم هم نمیدانم. همه جا هستم و هیچ جا. می‌خندید. گفتم قرار بود که سال گذشته آخرین سال تظاهرات باشد.

گفت، در مبارزه برای حقوق زنان آدم مریض هم میشود. همیشه همینطور گذاشت و رفت. با تکان دادن سر تائید میکنم. اتوموبیلی وارد محوطه میشود. مردی پیاده میشود و به طرف ما می‌آید. های پروین! کجائی، ازت خبری نیست؟ ناگهان متوجه میشوم که عکاس یکی از روزنامه های سوند است که قبلا چند بار او را اینجا و آنجا دیده ام. می‌گویم مثل همیشه. می‌خندد. رویه الین میکند و می‌گوید راستی چرا تظاهرات در مقابل مجسمه یوهانا پایان می

**نه به جنگ! نه به تروریسم اسلامی!**



اطلاعیه

سازمان آزادی زن از بیانیه "علیه جنگ و در دفاع از مدنیت جامعه ایران" دفاع میکند!

خطر جنگ دو قطب تروریسم بین المللی، آمریکا و متحدین اش از یکسو و رژیم اسلامی و اسلام سیاسی از سوی دیگر، در بالای سر جامعه قرار داده شده است. این جنگی ارتجاعی و ضد انسانی است. قربانیان این جنگ عادی ترین مردم عادی خواهند بود. صدمات و تلفات انسانی، سیاسی و اجتماعی این جنگ میتواند جامعه بشری و جامعه ایران را دهها سالها به عقب برگرداند.

باید با تمام قوا در مقابل جنگ و تحریم اقتصادی و تقابل این دو اردوی تروریست ایستاد. فشرده سیاست سازمان آزادی زن در شعار "نه جنگ، نه جمهوری اسلامی - برای آزادی، برابری، و رفاه" بیان میشود. این پرچم بشریت متمدن در این شرایط است. ما همگان را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سیاستهای ملیتاریستی آمریکا و متحدینش به گرد این پرچم فرامیخوانیم.

سازمان آزادی زن در عین پیشبرد سیاستهای مستقل خود در قبال جنگ بر این باور است که باید به گسترده ترین صف درمقابله با شرایط دهشتناکی که در برابر مردم قرار گرفته است، شکل داد. از این رو ما از بیانیه "علیه جنگ و در دفاع از مدنیت جامعه ایران" حزب کمونیست کارگری - حکمتیست حمایت میکنیم و تمامی نیروهای مسئول سیاسی را به پیوستن به این حرکت فرامیخوانیم.

سازمان آزادی زن

۱۵ نوامبر ۲۰۰۷



اطلاعیه ۴  
ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع!  
فعالین حقوق زن در بند باید آزاد شوند!  
کمپین بین المللی برای آزادی زنان در بند!  
مریم حسین خواه بازداشت شد!

طبق گزارش سایت "تغییر برای برابری" مریم حسین خواه روزنامه نگار، عضو کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز زنان و فعال جنبش زنان بازداشت شد. چند روز پیش رژیم اسلامی نشریه "زنستان"، ارگان مرکز فرهنگی زنان را مسدود کرد و امروز مریم حسین خواه را بازداشت کرد. طبق گزارش سایت مزبور: مریم حسین خواه "برای 26 آبان ماه 1386 به دادرسی ویژه امنیت احضار شد و در آنجا به مدت دو ساعت مورد بازجویی قرار گرفت. به او گفته شد که متهم به تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب از طریق انتشار اخبار کذب در زنستان و تغییر برای برابری است. همچنین از او خواسته شد که برای ادامه بازجویی ساعت 9 صبح روز بعد نیز مجدداً به دادگاه مراجعه کند. اما در پی مراجعه مجدد به دادگاه در 27 آبان 1386 در کمال تعجب برای مریم حسین خواه قرار بازداشت صادر شد و این فعال جنبش زنان را ساعت 2 بعد از ظهر به زندان اوین منتقل کردند.

سازمان آزادی زن بازداشت مریم حسین خواه، کلیه فعالین حقوق زن و توقیف نشریه زنستان را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی است. سازمان آزادی زن از کلیه انسانهای آزادیخواه و برابر طلب میخواهد که به سرکوب فعالین جنبش حقوق زن اعتراض کنند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شوند. باید خاطر نشان کرد که علیرغم سرکوب شدید فعالین جنبشهای اعتراضی اجتماعی، اعتراضات بین المللی موثر است. همین چند روز پیش لایحه‌ای به مجلس اسلامی عرضه شده که طی آن سنگسار در شرایطی که به زیان منافع ملی باشد متوقف خواهد شد. به زبان ساده معنای این لایحه اینست که زمانی که این احکام اعتراضات بین المللی را موجب میشود، باید متوقف شود. لذا سازمان آزادی زن از تمام کسانی که نسبت به موقعیت این فعالین نگران اند، میخواهد که پتیشن ما را امضاء کنند.

[www.PetitionOnline.com/maryam20/petition.html](http://www.PetitionOnline.com/maryam20/petition.html)

سازمان آزادی زن ۱۸ نوامبر ۲۰۰۷

رئیس سازمان آزادی زن  
آذر ماچدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه

پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر

اسماعیل اوچی

esmail\_owji@yahoo.com

دنباله یک گزارش از صفحه قبل صحبت میکنم و دوباره تصاویر به سراغم میابند. تصاویری از یک دنیای نابرابر. تصویر خشونت بر زنان یک تصویر دولتی نیست. فقط این نیست که دولت های حاکم با قوانین نابرابر، موقعیت اجتماعی زنان را نزول میدهند، دستمزد کمتر و شرایط نامناسب کاری به آنها تحمیل میکنند. تصویر از جنین دخترانی که هرگز بدینا نمی آیند. کودکان دختری که در دوران کودکی هرگز بازی نمیکنند. دخترانی که هرگز نوجوانی را تجربه نمیکنند. زنانی که حرمت و شخصیت انسانیشان هر روز و هر دقیقه توسط همسرانشان و همزیشان لگدمال میشود. برای حفظ خانواده و ادای وظیفه تجاوز خوراک روزانه اشان است و آنجائی که سفره خانه هم خالی است به تن فروشی روی میاورند....



برق فلاش دوربینی در پیاده رو من را بخود میآورد. در مرکز شهر هستیم. مجسمه یوهانا در چند قدمی ماست. با سری برافراشته منتظر صفوف معترضین است. لبخندی برلبم نقش می بندد.

تصاویر من تصاویر یک دنیای نابرابر و ناعالادنه است. برای تغییر این تصاویر باید تلاش کرد و دنیای دیگری را ممکن ساخت. چاره دیگری نیست.

پروین کابلی 25 نوامبر 2007

زنده باد آزادی، برابری و رفاه!